

## مبانی و شرایط استناد به اعتبار امر مختوم قضایی با بررسی تطبیقی در نظام‌های حقوقی کامن‌لا، کشورهای عربی و ایران

مریم حدادی<sup>۱</sup>، رسول مقصودپور<sup>۲</sup>، سیدمحسن حسینی پویا<sup>۳</sup>

### چکیده:

**زمینه و هدف:** اعتبار امر مختوم قضایی با هدف جلوگیری از طرح دعاوی مجدد و تحمیل هزینه گزاف بر پیکره دستگاه قضایی در نظام‌های حقوقی کامن‌لا، کشورهای عربی و ایران که از سیستم حقوقی رومی-ژرمنی تبعیت می‌کنند، مبانی متفاوتی دارد. ساده بودن شرایط استناد به این اعتبار در سیستم کامن‌لا سبب شده تا قضاوت درگیر پیچیدگی‌های این قاعده در سیستم حقوقی کشورهای عربی و ایران نباشند. نظام عرفی، به جای بررسی سه رکن وحدت سبب، موضوع و اصحاب دعوا که در کشورهای عربی و ایران شرایط استناد به اعتبار امر مختوم قضایی محسوب می‌شوند، تنها سه شرط را لازم دانسته است تا این اعتبار تحقق یابد؛ حکم قطعی و نهایی، مرجع صالح قضایی، طرفین یکسان نسبت به همان موضوع سابق.

**روش‌شناسی:** تحقیق حاضر با روش تحلیلی - توصیفی انجام شده است.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** مهم‌ترین چالش در نظام کشورهای عربی و ایران اقامه دوباره همان دعوی سابق به استناد سبب جدید و خلط موضوعات است. وحدت موضوع نیز برخلاف نظام کامن‌لا رکن اصلی اعتبار مذکور در کشورهای عربی و ایران می‌باشد، که هر دو به عنوان یک نوع استاپل در سیستم کامن‌لا و جزء آثار اعتبار امر مختوم قضایی محسوب می‌شوند. عدم تمایل به تعدیل شرایط و مبانی اعتبار امر مختوم قضایی در نظام کشورهای حقوق نوشته، باعث شده تا علاوه بر هدر دادن منابع اقتصادی، توان علمی قضاوت صرف بررسی جزئیات همان دعوی سابق شود و به نظر می‌رسد استفاده از قابلیت‌های سیستم عرفی در این زمینه می‌تواند ضمن جلوگیری از ورود تعداد زیادی پرونده به سیستم دادرسی، رویه قضایی را بر مسائل ماهوی مد نظر قانونگذار متمرکز کند.

**واژگان کلیدی:** حکم قطعی و نهایی، مرجع صالح، وحدت سبب، موضوع، اصحاب دعوا.

\* استناددهی (APA): حدادی، مریم؛ مقصودپور، رسول و حسینی پویا، سیدمحسن (۱۴۰۰). **مبانی و شرایط استناد به اعتبار امر مختوم قضایی با بررسی تطبیقی در نظام‌های حقوقی کامن‌لا، کشورهای عربی و ایران**. تحقیقات حقوقی آزاد. ۱۴(۵۱): ۵۸-۳۹. قابل بازیابی از:

[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_684628.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_684628.html)

\* گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. رایانامه: maryam.hadadi90@gmail.com

\*\* گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران و گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی،

مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: maghsoudpour@gmail.com

\*\*\* گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران. رایانامه: m.hoseinip@gmail.com



## مقدمه

چالش‌های اعتبار امر مختوم قضایی در کشورهای تحت نظام رومی-ژرمنی مانند ایران و کشورهای عربی، ارتباط به پیچیدگی شرایط استناد به اعتبار مزبور و مبانی مطرح شده برای آن دارد. اگرچه وجه مشترک سیستم حقوقی این کشورها با نظام حقوقی کامن‌لا در خصوص اعتبار امر مختوم قضایی، همان حفظ نظم عمومی جامعه می‌باشد، اما پذیرش این مبنا در سیستم عرفی با تغییر سبک زندگی در جامعه نیز تعدیل شده است.

در این پژوهش، ضمن بررسی تطبیقی شرایط اعتبار امر مختوم قضایی در کشورهای عربی و ایران با نظام حقوقی کامن‌لا، موارد مغفول مانده یا تعدیل نشده سیستم حقوق نوشته را در این کشورها از نظر گذرانده و این موضوع را بررسی می‌کنیم که آیا می‌توان از عدم پیچیدگی نظام عرفی و رویه موجود در آن بهره برد؟

در کشورهای عربی و ایران، سه رکن وحدت اصحاب دعوا، موضوع و سبب مد نظر قرار گرفته است. در میان این سه رکن تشخیص سبب دعاوی مختلف و همچنین، اسباب مستقیم یا غیرمستقیم، از جمله موضوعات پرچالش در این زمینه است. برخلاف این موضوع، وحدت سبب یکی از شرایط استناد به اعتبار امر مختوم قضایی در نظام کامن‌لا نیست تا هم زمان زیاد و هم بهره علمی فراوانی از قضاات را درگیر نماید.

به عبارتی، در حقوق ایران و کشورهای عربی تلاش دادرس جدید در هر دعوا بررسی مسأله‌ی مورد نزاع می‌باشد که گاهی بسیار دشوار است، اما رویه‌ی سیستم کامن‌لا مبتنی بر کشف یک حکم قضایی صادر شده از مرجع صالح قضایی در خصوص موضوع سابق با طرفین یکسان است. وقتی دعوی جدیدی مطرح شد که قبلاً راجع به همان دعوا از یک مرجع قضایی صالح حکمی صادر و به مرحله قطعیت رسیده باشد، اعتبار امر مختوم بدون بررسی اسباب این دعوا و جزئیات موضوع آن تحقق یافته است و بحث وحدت سبب یا علت و همچنین، موضوع در قالب استاپل موضوع یا استاپل علت نسبت به این اعتبار جزء آثار آن محسوب می‌شوند و نه شرایط استناد. این باعث می‌گردد از ورود زیاد پرونده‌ها به سیستم دادرسی جلوگیری شود.

## ۱. مفهوم و مبانی اعتبار امر مختوم قضایی

### ۱-۱. مفهوم اعتبار امر مختوم قضایی

اعتبار امر مختوم قضایی یا قضیه محکوم بها (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۵۸) در ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران مطرح و چنین تعریف شده که ارزش قضایی دعوی منتهی به نظر نهایی دادگاه در هر درجه می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲: ۶۰). در کشورهای عربی، اعتبار موصوف با عنوان «حجیه الامر المقتضی» آمده (السنهوری، ۱۹۹۸: ۳۴۱) و بیان شده که منظور صفتی می‌باشد که تنها به یک حکم قضایی صادر شده از مرجع صالح تعلق می‌گیرد (فوده، ۲۰۰۷: ۱۲۰؛

فتحی زغلول، ۱۹۱۳: ۱۱۴). در سیستم کشورهای عربی، مواد ۱۰۱ قانون اثبات مصر و ۴۱ قانون بینات اردن اشاره به اعتبار امر مختوم قضایی داشته و آن را به عنوان یک نوع دفاع در قالب ایراد پذیرفته‌اند.

در نظام حقوقی کامن‌لا، اعتبار امر مختوم قضایی به عنوان یک اصل کلی حقوقی (چنگ، ۱۹۷۸: ۳۳۶) و به مفهوم قطعی تلقی کردن دادرسی سابق آمده و بیان شده که اگر مدعی موضوعی را در دعوای اول مطرح کرد و نتیجه دادرسی صدور یک حکم قطعی بود، همین قطعیت مانع ادعای مجدد او خواهد شد (بارنت، ۲۰۰۱: ۱۴؛ باور و ترنر، ۱۹۶۹: ۱۳).

برخی از مؤلفان نیز در بیان تعریفی صریح از این قاعده مانند نظام رومی - ژرمنی اشاره به اعتبار ناشی از قطعی دانستن دادرسی از دادگاه صالح نموده‌اند و بیان کردند هرگاه موضوعی توسط مرجع صالح مورد رسیدگی قضایی قرار گرفته باشد و تصمیم مأخوذه قطعی شود، دیگر همان طرفین یا نماینده آنها نمی‌توانند مجدداً دعوای دیگری با همان موضوع را تقاضا نمایند (مارتین و لاو، ۲۰۰۶: ۴۶۳).

در واقع، در تمام تعاریف بیان شده از نظر دکترین حقوقی در نظام کامن‌لا، اعتبار امر مختوم قضایی که در اصطلاح حقوقی با عنوان «Res Judicata» شناخته شده است، به معنای ارزش تصمیم صادر شده از ناحیه دادگاه صالح مطرح شده و به طور کلی، آن را موضوع تصمیم‌گیری شده توسط دادگاه بر مبنای ملاحظات سیاسی قضایی مطرح کرده‌اند.<sup>۱</sup>

به طور کلی و با توجه به تعاریف گوناگون از نهاد اعتبار امر مختوم قضایی در کشورهای عربی، ایران و همچنین، کشورهای تحت نظام حقوق عرفی، صدور یک حکم قطعی با قدرت اجرایی و ویژگی عدم تعرض به حقیقت آن، به جهت حفظ نظم عمومی و احتراز از صدور حکم مجدد، وجه مشترک هر دو سیستم حقوقی می‌باشد. به عبارت ساده، اعتبار امر قضاوت شده همان موضوعی است که یک بار مورد رسیدگی واقع شده است.

## ۲-۱. مبانی اعتبار امر مختوم قضایی

در برخی از کشورهای تحت نظام حقوقی رومی - ژرمنی مانند کشورهای عربی و ایران، فقه و شریعت در به وجود آوردن مبانی نهادهای حقوقی نقش پررنگی دارد. نهاد اعتبار امر مختوم قضایی نیز به عنوان یک اصل پذیرفته شده توسط سیستم حقوقی کشورهای مزبور، از قواعد فقهی بی‌بهره نبوده است. ارزش حکم قضایی و احترام به تصمیم صادره از یک دادگاه صالح، بر پایه ظهور صحت احکام، غالب‌ترین مبنای پذیرش این اعتبار در کشورهای مبتنی بر حقوق مدون می‌باشد.

<sup>۱</sup> A thing or matter already adjudicate

فقه‌های مشهوری نیز در رابطه با ارزش و اعتبار حکم صادره شده از ناحیه قاضی بیان کردند که اگر حکم صادر شده از ناحیه فردی که قضاوت به او سپرده شده است، قبول نشود، مانند سبک شمردن حکم خداوند می‌باشد (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۹۹). برخی دیگر نیز صحبت از ظهور در اصل صحت حکم قضایی به عنوان مبنای اعتبار داشته‌اند که باعث کسب این ویژگی می‌شود (نجفی، ۱۴۱۳: ۴/۱۰۳).

حقوقدانان ایرانی نیز در تشریح مبانی این اعتبار ضمن استناد به مسائل فقهی، نظریات مختلفی را بیان کردند. در نظریه عقد و شبه عقد قضایی صحبت از اعتبار حکم، ناشی از توافق اصحاب دعوا یا به عبارت دیگر، همان قرارداد خصوصی شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۴). برخی نیز عقیده دارند که اگر اعتبار حکم ناشی از قرارداد باشد، همان اراده‌هایی که قرارداد را به وجود آورده است، می‌توانند برخلاف این اعتبار توافق نمایند (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۸۰).

نظریه حقیقت‌صوری و اعتباری نیز در مقابل فرض صحت احکام، بیان می‌کند که اگر رأی دادگاه برخلاف واقع صادر گردد، حقیقت فرض می‌شود. به تعبیری دیگر، موافقت احکام با حقیقت درست نیست، و باید برای حکم صادره از دادگاه یک حقیقت‌صوری و غیرواقعی فرض کرد. در انتقاد از نظریه نیز این طور گفته شده که همه احکام صادره با واقعیت مخالفت ندارند و حتی ممکن است بسیاری از احکام مطابق حقیقت خارجی باشند (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۸۱).

در نظریه اصولی یا بنیادی نیز به شرح اراده واقعی قانونگذار پرداخته شده است و ایجاد اصول و قواعدی که جزء شیرازه حقوق می‌باشد، توسط دادرس در هنگام حل و فصل اختلاف، مبنای قاعده محسوب می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۳۹). مخالفان این عقیده بیان کردند که نظریه مذکور معارض با اصل تفکیک قوا خواهد بود، چراکه دادرس زیرمجموعه نهاد قضائیه است و نباید در امور دولت دخالت نماید (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۸۲).

مبانی اجتماعی قاعده مذکور نیز از نظر حقوقدانان ایرانی مغفول نمانده است. از نظر ضرورت‌های اجتماعی، جلوگیری از تجدید دعاوی و احتراز از صدور احکام متعارض، مبنا و اساس اعتبار امر قضاوت شده محسوب می‌شود. البته، تمایز بین این دو مبنای اجتماعی و انتخاب هر کدام از آنها، به لحاظ مطلق یا نسبی بودن آن آثار متفاوتی دارد. چنانچه اساس قاعده اعتبار امر قضاوت شده را جلوگیری از تجدید دعاوی قلمداد نماییم، اشخاص ثالث در شمول آثار آن راه ندارند و اثر آن به طرفین تنازع محدود خواهد بود، ولی اگر مبنای قاعده را احتراز از صدور حکم متعارض فرض کنیم، اعتبار مذکور در مقابل همه افراد جامعه قابلیت استناد خواهد داشت (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۴۹-۵۰). به طور کلی، در حقوقی ایران مطابق بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی، امر مختوم قضایی نسبی خواهد بود و اثر منفی آن مد نظر است.

حقوقدانان کشورهای عربی نیز مانند سیستم حقوقی ایران که از منبع مشترک نظام رومی-

ژرمنی تبعیت می‌کنند، به دنبال نظریه پردازی در خصوص مبنای اعتبار امر قضاوت شده با تمسک به مبنای فقهی بوده‌اند. مؤلفان عربی حکم قضایی را به مثابه قرارداد یا شبه قراردادی فی مابین طرفین خصومت یا نزاع بیان کردند که سبب الزام و احترام به حکم صادره از ناحیه قاضی می‌شود (بکوش، ۱۹۹۸: ۳۷۶؛ فوده، ۲۰۰۳: ۲۱). البته، همین حقوقدانان در انتقاد به نظریه مزبور بیان کردند که اضافه کردن مفهوم شبه عقد به این نظریه نمی‌تواند مشکل اساسی آن را برطرف کند، زیرا وضعیت طرفین تنازع مانند دو طرف در یک قرارداد خصوصی نیست؛ زیرا در یک قرارداد اراده و رضای طرفین آثار و توابع آن را مدیریت می‌کند (فوده، ۲۰۰۳: ۱۹؛ ملیجی، بی تا: ۲۰۵).

در نظریه حقیقت بیان شده که اعتبار حکم قضایی ناشی از فرض صحت احکام است و در واقع، حکم صادره از ناحیه قاضی حمل بر حقیقت و صحت می‌گردد (السنهوری، ۱۹۹۸: ۲/۶۴۱؛ ابوالوفاء، بی تا: ۷۲۰). البته، منتقدین عقیده دارند این نظریه از این جهت دارای اشکال است که اگر حقیقت اعلام شده از ناحیه قاضی را منطبق با حقیقت واقعی بدانیم، بنابراین این حقیقت باید نسبت به همه افراد جامعه لازم‌الاتباع باشد و نه تنها در رابطه با اصحاب (والی، بی تا: ۱/۳۰۸). مطابق نظریه حمایت قانونی از احکام صادره؛ توسط دادگاه حمایت قانونی خواهد شد، با این شرط که این احکام مطابق مقررات قانون‌گذار صادر شده باشند و لذا، همین تطابق با قانون لازمه احترام به آن تلقی می‌گردد (والی، بی تا: ۳۰۶-۱/۳۰۸).

پایه و اساس مبنای مصلحت اجتماعی در احتراز از صدور احکام متعدد یا به بیان حقوقدانان عربی، تضارب احکام و همچنین، تعدد دعاوی می‌باشد (بکوش، ۱۹۹۸: ۳۷۶). برخی دیگر از مؤلفان نیز با استناد به این مبنا نظر داده‌اند که مصلحت فردی و اجتماعی به عنوان یک مبنای حقیقی مرجح است که باعث اجتناب از منازعه جدید و تناقض احکام می‌باشد (الصاوی، ۱۹۷۱: ۵۹؛ حسن فرج، ۲۰۰۳: ۲۲۷).

در نظام حقوقی عرفی به جای پیچیدگی مبنای فقهی در نظام رومی-ژرمنی، بحث نظم اجتماعی متکی بر ریشه‌های سنتی کامن‌لا دعاوی بی‌قانونی، استوار است و مطابق اصول آن، ساختار قضایی بر اساس رویه موجود در سنتهای سابق و منطبق با تغییرات در جامعه، امورات حقوقی را حل و فصل می‌کند (مهر، ۱۳۹۴: ۱۷). اعتبار امر مختوم قضایی نیز از نهادهای مبتنی بر نظم عمومی است که به وجود آوردن این انتظام گاهی ناشی از در نظر گرفتن قدرت رویه قضایی برای اثبات هیبت دادرسی می‌باشد و گاهی نیز با در نظر گرفتن اخلاقیات و انصاف به سمت عدالت تمایل نشان داده است.

اصل اعتبار امر مختوم قضایی از دو قاعده‌ی مهم ریشه گرفته است؛ اولین قاعده می‌گوید که هیچ کس نباید دو بار برای همان علت محاکمه شود<sup>۱</sup> (استوارت، ۲۰۱۶: ۱). مبنای این قاعده بر

<sup>۱</sup> maxim nemo debet bis vexari pro una et eadem causa

اساس احتراز از هزینه و خسارات اضافی بر پیکره دستگاه قضا و حمایت از اصحاب دعوا که به خاطر حل اختلاف قبلاً یک بار وارد روند دادرسی شده‌اند، می‌باشد (وسترلند، ۲۰۱۰: ۱).

دومین مبنا نیز بیان می‌نماید که هدف از پایان دادن به دادرسی، مصالح و منافع عمومی می‌باشد<sup>۱</sup> که این اصل بر اساس محافظت از سیستم قضایی و فرایند تأثیر جامعه از الزام رأی صادره در سابق نشأت می‌گیرد (ونگ، ۲۰۰۵: ۵۳)؛ با این توضیح که علت طرح دعوا بعد از قضاوت در آن ادغام شده و زمینه‌ای برای طرح مجدد آن وجود ندارد و به عبارتی، حق اقامه دعوا ساقط می‌گردد و خواهان نمی‌تواند همان خواسته را مطرح نماید (ماینارد، ۱۹۹۴: ۴۲۷؛ استوارت، ۲۰۱۶: ۱).

مبنای این عقیده در نظام کامن‌لا، بر اساس احتراز از صدور آرای متعدد راجع به یک موضوع و پایان دادن به اختلافات پایه‌گذاری شده است که بدون اعتبار بخشیدن به امر مختوم قضایی امکان‌پذیر نیست. به طور کلی، باید گفت اصل *res judicata* (یا همان اعتبار امر مختوم قضایی) قابل اعتراض نیست و به منظور اطمینان از ثبات قانون و روابط حقوقی و اجرای صحیح عدالت، مهم است که تصمیمات قضایی پس از اتمام کلیه حقوق تجدیدنظر یا پس از انقضای مهلت‌های مقرر در آن قطعی شود (ماسارا، ۲۰۱۶: ۸۹).

به طور کلی، باید گفت نظام کشورهای عربی و ایران مبانی فقهی بسیاری در زمینه پذیرش اعتبار امر مختوم قضایی دارند و این مبانی با سبک زندگی جدید در جامعه تغییر نکرده است. لذا، در برخی موارد سبب دور ماندن از قواعد مهمی چون انصاف و عدالت می‌شود. اگرچه پذیرش مبنای مصالح اجتماعی و فردی افراد از حیث ثبات نظم عمومی به صورت تئوریک نقش پررنگی در این جوامع دارد، اما تأثیرپذیری آن از قواعد فقهی در مقایسه با مبنای نظم اجتماعی در سیستم حقوق عرفی نشان می‌دهد که قاعده ثبات نظام جمعی در حقوق کامن‌لا، مبتنی بر رویه‌های قضایی متفاوت است که هر کدام از آنها در برهه زمانی منطبق با تغییرات به‌روز جامعه به وجود آمده‌اند؛ در حالی که در کشورهای عربی و ایران ثابت بودن مبانی فقهی سبب شده تا تغییرات روزمره اصول و قواعد حقوقی بر روی این نهاد بی‌تأثیر باشد.

## ۲. شروط استناد به اعتبار امر مختوم قضایی

### ۲-۱. وحدت سبب، موضوع، اصحاب دعوا در حقوق کشورهای عربی و ایران

در تحقق اعتبار امر مختوم قضایی نیاز به تصمیمی وجود دارد که واجد ارکان لازم برای استناد به آن باشد. شرایط سه‌گانه‌ای چون اتحاد سبب، موضوع و طرفین دعوا باید وجود داشته باشد تا در دعوای دوم بتوان قائل به پدید آمدن اعتبار مذکور شد. با توجه به فلسفه قانونگذار از تأسیس اعتبار

<sup>2</sup> *reipublicae ut sit finis litium*

امر قضاوت شده و هدف کلی از پدید آمدن اصول حقوقی چون انصاف و عدالت، ذینفع زمانی می تواند ادعای به وجود آمدن اعتبار امر مختوم قضایی را نماید که در سابق راجع به موضوع واحد بر اساس سببی مشترک و مرتبط به اصحاب دعوای یکسان حکمی قضایی صادر شده باشد.

البته، مباحثی چون اسباب متفاوت و قائم مقام اصحاب دعوا از جمله موارد حائز اهمیت در ارکان سه گانه مزبور است که مورد توجه دکتین حقوقی نظام های مختلف بوده است و اختلافاتی در این خصوص وجود دارد. در کشورهای عربی و ایران که از سیستم حقوقی رومی-ژرمنی تبعیت می کنند، تقریباً چارچوب یکسانی از حیث شرایط تحقق و ارکان این اعتبار وجود دارد، برخلاف سیستم کامن لا که شرایط و ارکان این اعتبار با تغییراتی در جایگاه آنها، مورد بحث واقع شده اند. البته، در بین کشورهای تحت نظام سیستم رومی-ژرمنی نیز شباهت به صورت مطلق نیست و تغییرات در جزئیات ارکان سه گانه از حیث نقش نمایندگان مختلف اصحاب دعوا، و تسری اسباب متعدد وجود دارد که در برخی از این موارد کشورهای عربی نسبت به ایران رویه بهتری دارند.

#### ۱-۲-۱. اتحاد اصحاب دعوا

وقتی در دعوای اول فردی به عنوان اصحاب دعوا شرکت داشته باشد و در دعوای دوم همان طرف اقامه شکایت نماید و در واقع، وحدت قانونی اتحاد طرفین دعوا، نه وحدت مادی اتفاق بیفتد، می توان گفت یکی از ارکان این اعتبار به وجود آمده است. به دلیل همین وحدت قانونی نیز بحث قائم مقام طرف دعوا از مباحث پرچالش محسوب می گردد. به عبارتی، اتحاد اصحاب دو دعوا تنها زمانی مصداق می یابد که اصیل شخصاً یا توسط نماینده هر یک از دو دعوا را اقامه نموده یا به آن پاسخ داده و حتی اگر دو شرط دیگر وجود داشته باشد و اصحاب دعوا یکسان نباشند، ایراد امر مختوم قضایی به دلیل عدم وحدت اطراف دعوا مسموع نیست (شمس، ۱۳۸۷: ۱/۴۴۶: ۲/۳۲).

مؤلفین عربی نیز دادرسی را محدود به آنهایی دانسته که مورد قضاوت واقع شده اند که صفات مربوط به آنها شرط اعتبار به عنوان اصحاب دعوا تلقی می گردد (ابن فرحون، ۲۰۰۱: ۱/۳۶۶؛ السیوطی، ۱۹۸۳: ۲۸۳؛ عوض حسن، ۱۹۹۶: ۱۰۸). بنابراین، اگر اسم مدعی در برگ دادخواست وارد شود، کفایت نمی کند، بلکه باید او طرف حقیقی دعوا باشد که درخواستها مرتبط به وی بوده و او از دادگاه پابندی به آن را درخواست نموده باشد، لذا وحدت مطلوب همان وحدت قانونی است، نه وحدت ذاتی (فوده، ۲۰۰۷: ۳۶۵-۳۶۶؛ السنهوری، ۱۹۹۸: ۲/۶۷۶).

برخی دیگر در تشریح ماهیت رکن وحدت اصحاب دعوا به بررسی اصل نسبییت احکام پرداخته و در مقایسه آن با اصل نسبییت قراردادهای، ضمن انتقاد به این قیاس بیان داشتند که ماهیت



روابط بین طرفین در قرارداد و طرف‌های حکم قضایی مانند هم نیست، اگرچه این مقایسه با ماهیت حکم قضایی تعارضی ندارد به این دلیل که حجیت در خصوص افراد ثالثی که قصد طرح دعوایی ابتدایی دیگری دارند، تعمیم داده نمی‌شود (العبودی، ۲۰۰۳: ۱۸۱؛ ادوار، ۲۰۰۱: ۲۰۸).

## ۲-۱-۲. وحدت موضوع دعوا

در حقوق ایران در جهت معرفی وحدت موضوع به عنوان دومین رکن اعتبار امر قضاوت شده، به این مطلب تصریح شده که موضوع دعوای سابق که منتهی به صدور حکم قطعی شده و همچنین دعوای اقامه شده جدید باید واحد باشند (شمس، ۱۳۸۷: ۱/۴۴۷). برای تشخیص اتحاد یا اختلاف موضوع دعوا نیز بهترین معیار و ضابطه را توجه به رابطه حکم سابق و درخواست مدعی در دعوای جدید دانسته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۳۶).

همچنین، صرف یکی بودن ماهیت حق نیز نمی‌تواند باعث این شبهه شود که هر دو موضوع ممکن است یکسان باشند، زیرا اگر حق ارتفاق عبور از ملکی محکوم به بطلان شود، ماهیت این حق ارتفاق باعث ممانعت مدعی از اقامه دعوای دیگری بر اساس حق ارتفاق مربوط به جلوگیری از احداث بنا در همان ملک نمی‌شود، زیرا در دعوای دوم حق جدیدی بوجود آمده، هرچند ماهیت آن همان ارتفاق از مال غیر منقول است (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۳۷-۲۳۸؛ متین دفتری، ۱۳۷۸: ۶۱).

در کشورهای عربی با بیان اینکه شرط صحت دعوی، معلوم بودن حق مدعی می‌باشد، به شرح رکن وحدت موضوع دعوا پرداخته‌اند و مجهول بودن موضوع دعوی را علت عدم استماع آن معرفی کرده‌اند (القرافی، ۱۴۲۴: ۱۳۳؛ الطرابلسی، ۱۹۷۳: ۵۴). همچنین، در تعریف موضوع دعوا بیان شده حقی می‌باشد که مدعی، خواستار مطالبه آن است و همان موضع قانونی یا منفعت قابل تقاضایی خواهد بود که تلاش مدعی به تحصیل آن از طریق عملیات قضایی است و برای استناد به اعتبار امر مختوم قضایی عدم تکرار موضوع دعوای اول شرط می‌باشد، و معیار تشخیص بررسی موضوع ثانوی می‌باشد (فوده، ۲۰۰۷: ۲۹۷؛ العبودی، ۲۰۰۳: ۱۸۱).

مؤلفان عربی با مثال‌های متفاوتی وحدت موضوع در دعوای مختلف را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ مثلاً، اگر در دعوای اول حکم صادره مبنی بر صحت قرارداد بیع و پرداخت ثمن معامله به بایع باشد و سپس، مطالبه دیگری بر اساس فسخ همین قرارداد به علت عدم پرداخت ثمن مطرح شود، به دلیل تکرار موضوع دعوی اول در مطالبه بعدی اعتبار امر قضاوت شده مطرح می‌گردد (النداوی، ۱۹۹۸: ۱۷۲). به طور کلی، قاعده در ماده ۴۱/۱ قانون بینات اردن این طور بیان شده که تفاوت لفظی خواسته دو دعوی تأثیری بر تحقق شروط امر مختوم قضایی ندارد و طرح دعوا در تقابل با حکمی که دارای این اعتبار شده است، جایز نمی‌باشد. لذا، عقیده به این امر که ملاک و



معیار حق مورد مطالبه در دعوی دوم این است که تکرار حق موضوع دعوی اول نباشد، در بین حقوقدانان اردنی مخالفی ندارد (القضاء، ۲۰۰۷: ۲۶۹؛ السید الصاوی، ۱۹۷۱: ۱۷۱).

نتیجه این که وحدت موضوع در سیستم قضایی کشورهای عرب‌زبان از اهمیت زیادی برخوردار است و تدقیق نویسندگان این کشورها در جزئیات و زیرمجموعه‌های آن نشان‌دهنده حساسیت این مطلب است. اگرچه اتحاد مادی موضوع مورد مطالبه مدعی در هر دو دعوا، مد نظر رکن موصوف در اعتبار امر مختوم قضایی است، لکن ارتباط اصل به منضمات و بررسی رابطه جزء و کل در اتحاد موضوع دو دعوا پاسخ برخی سؤالات در رویه قضایی را به صراحت روشن کرده است، در حالی که در نظام حقوقی ایران به کلی گویی پرداخته شده است.

### ۳-۱-۲. وحدت سبب

حقوقدانان ایرانی در بیان مفهوم سبب بیان کرده‌اند که سبب دعوا عمل یا واقعه حقوقی قلمداد شده که پایه و اساس حق مورد مطالبه را تشکیل می‌دهد. به عبارتی، اختلاف سبب در شرایطی موجب رسیدگی دوباره به همان موضوع می‌شود که ماهیت نزاع را دگرگون نماید، چنانچه که گفته شود دعوا تغییر کرده است (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۵۲-۲۵۴).

در سیستم حقوقی ما، بحث تشخیص سبب دعوا از سایر موارد نیز مورد بررسی قرار گرفته و دکترین با بیان قاعده اصلی سبب و دلایل اثبات دعوا، زیرمجموعه‌های مختلفی چون سبب مستقیم و باواسطه، سبب در دعاوی بطلان معاملات و دسته‌بندی اسباب بطلان را مطرح کرده‌اند. همچنین، با نگاهی دقیق‌تر به بررسی سبب در دعاوی فسخ، سقوط تعهدات و مسئولیت مدنی پرداخته و شقوق مختلف آن را با ذکر مثال‌های متفاوت شفاف نموده‌اند و با نظریات مختلف در خصوص تشخیص موضوع از سبب دعوا و تفاوت سبب با دلیل نیز بحث اتحاد اسباب در قضیه اعتبار امر مختوم قضایی را تکمیل کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۲: ۲۵۵-۲۸۶).

سیستم حقوقی کشورهای عربی نیز به بررسی رکن وحدت سبب برای اعتبار امر قضاوت شده پرداخته و تنها وحدت موضوع و طرفین را برای استناد به آن کافی نمی‌دانند. در تعریف دقیق سبب، اختلافاتی در فقه و کشورهای عربی وجود دارد. برخی از حقوقدانان مصری در بیان مفهوم سبب عنوان نموده‌اند که سبب همان اصل یا مصدر قانونی حق است و حق همان موضوع دادخواست یا مصلحت قانونی مورد ادعای مدعی می‌باشد که بوسیله دادخواست قصد تحصیل آن را دارد (عوض حسن، ۱۹۹۶: ۱۸۰). عده‌ای دیگر نیز سبب را مجموعه وقایعی دانسته‌اند که مدعی به استناد آن مطالبات خود را بر اساس مبدا قانونی درخواست می‌نماید (الطباخ، ۱۹۹۸: ۸۷؛ السنهوری، ۱۹۹۸: ۲/۶۹۸).

دیوان عالی مصر نیز در تعبیر ماده ۱۰۱ قانون اثبات نظر داده، واقعه‌ای که بواسطه آن مدعی

حق در درخواست خویش استمداد جسته، سبب نام دارد که با تغییر ادله واقعی و ایرادات قانونی، قابل تغییر نیست (سیداحمد شعله، ۱۹۹۸: ۷۲). هم‌چنین، مصادیق مختلفی نیز برای آن بیان شده مانند عقد بیع، معاوضه، عقود عاریه‌ای و یا سایر تصرفات قانونی چون وصیت یا نهادهایی چون اضمحلال رضا، مرور زمان یا روابطی مانند قرابت صورت می‌گردد (عوض حسن، ۱۹۹۶: ۱۸۰).

بحث سبب و نهادهای دیگر چون هدف و دلیل مورد بحث قرار گرفته است و هدف را مسأله‌ای صرفاً باطنی و درونی دانسته‌اند که نه تنها از دادخواستی به دادخواست دیگر، بلکه از شخصی به شخص دیگر علیرغم شباهت دادخواست‌ها متفاوت می‌باشد. بنابراین، اگر سبب در دو دادخواست یکی باشد، اعتبار امر قضاوت شده مسلم و حتمی بوده، منجر به عدم جواز رسیدگی به دادخواست بعدی می‌شود، حتی با وجود تفاوت هدف در دو دادخواست. هم‌چنین، دلیل را وسیله‌ای که به تحکیم سبب کمک می‌نماید، معرفی نموده که دارای صور مختلفی از جمله شهادت گواه، سوگند، نوشته یا نشانه می‌باشد و برحسب شرایط دادخواست مدعی متغیر است و نمی‌توان آن را در چارچوب مشخصی قرار داد و تعدد ادله محل بحث در اعتبار امر قضاوت شده نمی‌باشد (فوده، ۲۰۰۷: ۳۴۷-۳۴۹).

صحبت از سبب‌هایی متعدد، اصلی و فرعی نیز در حوزه اعتبار امر مختوم قضایی بحث‌های متفاوتی را ایجاد کرده است. برخی در خصوص اسباب فرعی و رابطه آن با سبب اصلی بیان نموده‌اند که چنانچه درخواست مدعی به استناد یکی از سبب‌های بطلان مانند تدلیس، اشتباه، اکراه، اجبار، فقدان اهلیت و ایرادات شکلی رد شود، همان مدعی نمی‌تواند به استناد سبب‌های فرعی مرتبط به سبب اصلی دوباره خواسته مشترک با دعوی اول را مطرح کند. البته، مخالفین این دیدگاه عقیده دارند مصادیق اسباب بطلان دارای استقلال هستند که استناد به یکی مانع طرح دعوای مجدد بر مبنای سبب دیگر نیست (ادوار، ۲۰۰۱: ۱۹۸؛ عبداللطیف، ۱۹۷۲: ۱۹۹؛ السنهوری، ۱۹۴۶: ش ۷۱۲).

بنابراین شرط وحدت سبب نیز سومین رکن مهم اعتبار امر مختوم قضایی، هم در سیستم حقوقی ایران و هم نظام حقوقی کشورهای عرب‌زبان می‌باشد. البته، گاهی در خصوص مبنا و مصدر قانونی که منشاء حق مورد مطالبه مدعی باشد، اختلاف نظراتی وجود دارد؛ به طوری که در یک تقسیم‌بندی کلی حقوقدانان در سیستم حقوقی کشورهای عربی قائل به تفکیک بین اقسام مختلف سبب‌ها بوده و در سه قسمت خلاصه کرده‌اند: الف) سبب منشعب شده از قاعده مدلل از ناحیه اطراف دعوا یا اصل قانونی. ب) سبب ایجاد شده از عمل فرد که با توصیف قانونی، موجب حق موضوع خواسته می‌گردد. ج) سببی متشکل از مجموعه عناصر واقعی که مرجع حقیقت مورد مطالبه در خواسته مدعی است (حلمی حجار؛ هانی حجار، ۲۰۰۱: ۵/۶۳). لکن باید گفت این اختلافات خللی به اصل اولیه، یعنی استناد به یکی بودن مبدأ حق مورد مطالبه خواهان برای اعتبار

امر قضاوت شده وارد نمی‌کند.

## ۲-۲. حکم قطعی و نهایی، مرجع صالح قضایی و طرفین یکسان در موضوع سابق در نظام حقوقی کامن لا

در نظام کامن لا بجای صحبت از اصول اعتبار امر قضاوت شده یا شرایط استنادی، عبارت الزامات بکار رفته و مواردی مانند حکم قطعی و نهایی، مرجع قضایی صالح و طرفین یکسان بیان گردیده است. وقتی اعتبار امر مختوم قضایی تحقق یابد، یعنی در خصوص موضوع مورد اختلاف همان طرفین، در سابق یک حکم قطعی و نهایی از مرجع صالح قضایی صادر شده است. برخلاف نظام حقوقی کشورهای عربی که متأثر از مبانی شرعی می‌باشد، شرایط استناد به اعتبار موصوف در سیستم عرفی بسیار ساده می‌باشد.

### ۱-۲-۲. حکم قطعی و نهایی

مهم‌ترین الزام استناد به اعتبار امر مختوم قضایی در نظام عرفی، صدور یک تصمیم قضایی قطعی و نهایی می‌باشد که معرف مسأله‌ی قانونی یا موضوعی، واقعی یا هر دوی آنها است (هندلی، ۲۰۰۹: ۲۹؛ بارنت، ۲۰۰۱: ۲۴). تصمیم قضایی در حقوق کامن لا اقسام متفاوتی دارد که شامل احکام یا آراء، قرارها، اظهارنامه قضایی، آرای داوری، احکام ورشکستگی و غیره می‌باشد (اسچافستن، ۲۰۰۱: ۱۵). بر اساس یک تقسیم‌بندی دیگر نیز احکام می‌توانند شامل احکام نهایی، موقتی، مالی و غیرمالی شوند. در خصوص اعتبار اقسام مختلف این تصمیمات و تسری دایره‌ی شمول اعتبار امر مختوم قضایی به آنها، تنها حکم قضایی از ناحیه‌ی مؤلفین مورد ارزیابی قرار گرفته و در خصوص سایر مصادیق چون آرای داوری و تصمیمات سایر مراجع، اختلاف نظرانی وجود دارد (بارنت، ۱۹۹۹: ۱۰).

در توصیف حکم قضایی بیان شده که تصمیمی رسمی، عمومی و معین که توسط یک دستگاه تحت نظارت صادر گردیده و با توجه به ماهیت قطعی آن، قابلیت استناد حتی برای آنهایی که در دادرسی شرکت نداشته‌اند را دارد و این ویژگی حکم مبتنی بر خاصیت ترافیعی بودن آن است (استوارت، ۲۰۱۶: ۱؛ بارنت، ۱۹۹۹: ۳۸).

از طرفی، خصیصه اصلی این حکم، قطعیت و نهایی بودن آن می‌باشد. به عبارت دیگر، تصمیمی که به طور موقتی صادر شده در رابطه با یک موضوع خاص، نهایی نیست و در شمول اعتبار امر مختوم قضایی قرار نمی‌گیرد مانند دستور موقت دادگاه. در واقع، بیشتر سیستم‌های حقوقی در خانواده بزرگ کامن لا احکام نهایی را به رسمیت می‌شناسند (اندروز، ۱۹۹۴: ۵۰۱-۵۰۲).

قطعی و نهایی بودن حکم قضایی مورد توجه بیشتر مؤلفان در سیستم حقوق عرفی بوده است و به عنوان رکن اصلی تحقق اعتبار امر مختوم قضایی بررسی شده و بیان گردیده که حکم نمی‌تواند توسط دادگاهی که آن را صادر کرده، تغییر کند و در واقع، از تاریخ صدور حکم منشاء اثر است (هندلی، ۲۰۰۹: ۵۳). به بیان سایر حقوقدانان، قطعیت و ویژگی اصلی حکمی است که از یک مرجع صالح در جهت حل و فصل دعوی صادر شده و بر اساس آن می‌توان از اعتبار امر قضاوت شده بهره برد (بارنت، ۱۹۹۹: ۱۰؛ استوارت، ۲۰۱۶: ۴).

بنابراین، قاعده مهم این است که اصحاب دعوا از روی اختیار حق اقامه دوباره دعوایی را که یک بار موضوع تصمیم قضایی قطعی و نهایی بوده، ندارند و آثار این اعتبار به واسطه موانعی چون استاپل از اقامه مجدد دعوا جلوگیری می‌کند (کرزن، ۲۰۰۲: ۳۶۸). در خصوص مصادیق احکام نهایی نیز برخی از مؤلفین بیان کردند ادعایی که روند دادرسی نسبت به آن متوقف شده و یا ادعای رد شده بخاطر عدم انطباق با شرایط شکلی دادرسی، به عنوان حکم نهایی تلقی نمی‌گردند (سوتان، ۱۹۹۷: ۳۱۵).

### ۲-۲-۲. مرجع صالح

بحث صدور تصمیم قضایی توسط دادگاه صالح یکی دیگر از مهم‌ترین شرایط استناد به اعتبار امر مختوم قضایی می‌باشد، که روند دادرسی را بر اساس قانون کشوری که در آن واقع شده، پیش می‌برد. به عبارتی، تصمیم قضایی از یک دادگاه صالح به رسیدگی چه دائمی و چه موقتی (مثلاً دادگاه صالح به رسیدگی در خصوص اختلافات خاص) باید صادر شود تا ملاک اعمال اعتبار امر مختوم قضایی قرار بگیرد و تفاوتی ندارد دادگاه مدنی باشد یا کیفری، بدوی یا عالی (اسچافستن، ۲۰۱۲: ۱۶؛ بارنت، ۱۹۹۹: ۳۸). البته، استثنائاتی در این زمینه مطرح شده است؛ حکم دادگاههای عالی و دارای صلاحیت عمومی به این علت که دارای صلاحیت در موضوع تنازع اصحاب دعوا نبوده‌اند، باطل محسوب نمی‌شود (اسچافستن، ۲۰۱۲: ۱۶).

### ۲-۲-۳. طرفین یکسان

آخرین الزام در خصوص اصول اعتبار امر قضاوت شده در سیستم حقوقی کامن لا طرفین یکسان<sup>۱</sup> می‌باشد که بر پایه‌ی یکی بودن اصحاب دعوا و یا جانشین آنها در دعوی سابق و جدید تعریف شده است (ماوس کزیسکر، ۱۹۲۹: ۳۰۰؛ مارتین فراگا و سمرا، ۲۰۱۲: ۴۲۶). منظور از اصحاب دعوا، افراد یا نهادهایی هستند که در مقام دادخواهی هستند و ویژگی اصلی آنها مشارکت فعال در دادرسی خواهد بود (هندلی، ۲۰۰۹: ۱۲). همچنین، معترض یا وارد ثالث تنها در صورتی که خواسته‌ای داشته باشند، یا حکم نسبت به آنها واجد اثر تلقی گردد، جزء طرفین دعوی محسوب

۱. Same party

خواهد شد (بارت، ۲۰۰۱: ۱۷-۱۸).

بنابراین، اثر قاطع حکم در دادرسی بعدی با توجه به قوانین حریم خصوصی و متقابل محدود می‌شود. طرفین دادرسی تنها افرادی هستند که به قضاوت انجام پذیرفته مقید شده و به واسطه‌ی تصمیم‌گیری در موضوع دادرسی، می‌توانند از اثرات قاطع آن استفاده کنند و برای شناسایی آنها باید سابقه دادرسی مورد بررسی قرار گیرد (ماسارا، ۲۰۱۶: ۵۶).

در خصوص جانشینان اصحاب دعوا، صحبت از طبقه‌بندی بر اساس خون، دستیابی به حقوق و تعهدات طرف مقابل و بهره‌گیری از منافع شده است، به نحوی که بر مبنای رابطه‌ی نسبی، اجداد و وارث می‌تواند قائم مقام طرف دعوا محسوب شود، یا بر اساس ورشکستگی مدیون و جایگزین شدن داین نسبت به حقوق و تعهدات وی، طلبکار به عنوان نماینده طرف قرار بگیرد (اسچافستن، ۲۰۱۲: ۲۷).

همچنین، صحبت از سه طبقه‌بندی برای شرکای طرف دعوا یا نمایندگان آنها شده است: (۱) شرکا یا وابستگان نسبی مانند اجداد یا وارثان، (۲) وابستگان سببی که جانشین حقوق و مسئولیت‌های طرف می‌شود (۳) وابستگان ذینفع مانند امین یا معتمد که به ذینفعی یکی از طرفین طرح دعوا نموده است. این تقسیم‌بندی دشوارترین گروه محسوب می‌شود و معیار تشخیص ذینفعی بر اساس مصلحت دادخواهی قبلی یا موضوعی آن باید قانونی یا مفید فایده باشد و کنجکاوی یا توجه صرف به منفعت یا دادخواهی کفایت ندارد. به طور کلی، شرکا یا وابستگان طرفین دعوا نیز می‌توانند مشمول اعتبار امر مختوم قضایی شوند.

صحبت از اتحاد موضوع دادرسی اگرچه به صورت یک بخش کاملاً مجزا مانند حقوق نوشته در سیستم کامن‌لا مطرح نشده، لکن به همراه الزام یکسان بودن اصحاب دعوا صحبت از موضوع دادرسی قبلی و بعدی شده است. همین امر باعث شده چالش‌های کمتری بر سر راه تسری دعاوی مطرح شده به شمول اعتبار مزبور وجود داشته باشد، زیرا بحث استاپل‌ها یا موانع، اثرات تحقق اعتبار امر قضاوت محسوب می‌شوند (استوارت، ۲۰۱۶: ۲).

به طور کلی، باید گفت اعتبار امر مختوم قضایی در حقوق عرفی از ارکان یا الزامات ساده و بدون پیچیدگی خاصی بهره‌مند شده است. برخلاف آن کشورهای عربی و ایران که متأثر از حقوق نوشته می‌باشند، شرایط استنادی مرتبط به اعتبار موصوف از جزئیات زیادی برخوردار است که طرح هر دعوایی در ارتباط با جزئیات مزبور نیازمند بررسی دقیق دادرسی می‌باشد تا اتحاد مزبور را کشف کند.

از طرفی، در نظام کامن‌لا مانند حقوق ایران و کشورهای عربی، تفکیک بین شرایط ایجاد اعتبار و شرایط استناد به آن وجود ندارد. یک سیستم حقوقی مبتنی بر رویه قضایی، تنها سه الزام را برای تحقق اعتبار امر مختوم قضایی بیان می‌کند که یک حکم قطعی و نهایی از مرجع صالح راجع

به اصحاب دعوا در رابطه با همان موضوع صادر شده باشد. همچنین، عدم وابستگی سیستم عرفی کامن‌لا به قواعدی چون مبانی فقهی که تشریح مسائل آن نیاز به متخصصان برجسته دارد، از جمله مزایای این نظام حقوقی است که باعث می‌شود به محض به وجود آمدن سه رکن مزبور قائل به تحقق اعتبار امر مختوم قضایی باشد؛ در حالی که گستره اعتبار امر مختوم قضایی در حقوق کشورهای عربی و ایران علاوه بر شرایط استنادی بستگی به رأی قضایی قطعی و در محدوده منطوق آن می‌باشد. بررسی و تفکیک منطوق از اسباب موجهه نیز یکی دیگر از پیچیدگی‌های نظام مزبور می‌باشد که در نظام کامن‌لا از چنین حساسیتی برخوردار نمی‌باشد.

#### ۴-۲-۲. استاپل موضوع، اثر اعتبار امر مختوم قضایی

انسداد یا استاپل موضوع در نظام کامن‌لا برخلاف حقوق نوشته از شرایط استنادی اعتبار امر مختوم قضایی محسوب نمی‌شود. در واقع، اعتبار امر مختوم قضایی در سیستم عرفی با وجود حکم قضایی صادره از مرجع صالح راجع به همان اصحاب دعوی موضوع سابق وقتی قطعی و نهایی شده باشد، به وجود می‌آید و زمانی که این اعتبار محقق شد، یکی از آثار آن می‌تواند انسداد موضوع یا استاپل موضوع باشد.

انسداد موضوع، یعنی منع اقامه دوباره دعوا نسبت به موضوعی که در دعوی سابق، راجع به آن تصمیم‌گیری شده است. بنابراین، اعتبار امر مختوم قضایی با شرایط استنادی مزبور که تحقق یافت، وقتی راجع به همان موضوع یک رأی قضایی صادر شد و موضوع سابق مورد لحوق حکم بود، مانع استاپل موضوع به وجود می‌آید (غمامی، ۱۳۹۰: ۱۸۰). مانع مذکور مانع دادرسی بعدی در خصوص موضوع حقیقی یا قانونی می‌شود (هالسبری، ۲۰۰۳: ۹۷۷-۹۹۳).

این وظیفه خواننده دعوا می‌باشد که برای جلوگیری از طرح دوباره موضوع دعوی سابق، در دعوی دوم ثابت کند که واقعاً موضوع در رسیدگی اول مطرح شده و بنابراین، موضوعی باقی‌مانده است تا بتوان در مورد آن تصمیم‌گیری کرد. همچنین، استناد به انسداد موضوع زمانی امکان دارد که طرف در دادرسی سابق امکان طرح ادعای مزبور را داشته، ولی واقعاً آن ادعا را مطرح نکرده است (هنسز، ۱۹۹۴: ۲۷۹).

به عبارتی، اولین قضاوت یا دادرسی در مورد موضوعاتی که واقعاً مورد دادخواهی قرار گرفته و در دادخواست قبلی تعیین شده است، قطعی می‌باشد و طرف را از اصلاح مجدد یا به چالش کشیدن حقیقت‌ها یا موضوعات در دومین دعوا ممانعت می‌کند. و این اصل بر مبنای ملاحظات سیاستی یکسانی استوار است (وستال، ۱۹۵۴: ۲۷۴). مؤلفان نظام کامن‌لا عقیده دارند قضاوت و دادرسی یک نوع مانع است، نه به این دلیل که یک طرف اقداماتی انجام داده است که مانع از ادعای یک حق یا عنوان می‌شود؛ در واقع، این موانعی از اصول سیاست عمومی است، زیرا صلح و

نظم در جامعه سبب می‌گردد مسأله‌ای که یک بار رسیدگی قضایی قرار گرفت، دوباره نباید بین همان طرفین یا جانشین آنها مورد قضاوت قرار بگیرد (وستال، ۱۹۵۴: ۲۷۵).

## ۵-۲-۲. استاپل علت، اثر اعتبار امر مختوم قضایی

استاپل علت یا مانع ادعا شامل همه حقایق و شرایط ایجاد حق جبران می‌شود و همه ادعاهای مطرح شده از یک واقعه واحد با تکیه بر شواهد یکسان را در بر می‌گیرد. بنابراین، وقتی اعتبار امر مختوم قضایی تحقق پیدا کرد، یکی از آثار آن می‌تواند به وجود آمدن مانع ادعا یا علت باشد، بدین معنی که یک طرف در مورد علتی خاص از دعوا، که وجود یا عدم وجود آن قبلاً توسط یک دادگاه صلاحیت‌دار و تحت یک تصمیم قضایی بین همان طرفین یا نمایندگان آنها بررسی شده است، منع می‌گردد (بارنت، ۲۰۰۱: ۹۷-۸۷).

ادعای استاپل علت غالباً مستلزم بررسی دلایل دادرسی سابق است و این مسأله را مطرح می‌کند که طرف دعوای اثبات شده با انجام تدابیر لازم می‌توانسته یا می‌بایست در دادگاه قبلی طرح ادعا می‌کرده است. مفهوم مذکور بر این اصل استوار است که تصمیمات انجام شده در دادخواست قبلی در دعوای بعدی که بر اساس علت عمل کاملاً متفاوت نباشد، قطعی شده باشد. به عبارتی، طرفین از ادعای همان واقعیت‌ها در دعوای دوم متوقف می‌شوند (هولدس ورس، ۱۹۴۴: ۱۴۷-۱۵۴). بنابراین، وقتی تصمیم نهایی و قطعی از یک دادگاه صالح بر اساس قانون دعوا نسبت به طرفین یکسان صادر شده باشد و فرد مدعی به وجود آمدن مانع علت باشد، این ادعا یعنی اینکه کل علت عمل دعوا به طور قطعی در دادرسی سابق تعیین و مورد بررسی قرار گرفته و مورد پذیرش واقع شده است (اسچافستن، ۲۰۰۱: ۱۹).

## بحث و نتیجه‌گیری

اعتبار امر مختوم قضایی در نظام حقوقی ایران و کشورهای عربی با هدف جلوگیری از طرح مجدد دعوای، دارای شرایط سه‌گانه وحدت سبب، موضوع و اصحاب دعوا می‌باشد. در مقایسه‌ی دو نظام حقوقی اگرچه قالب اعتبار امر مختوم قضایی یکسان است، ولی در شرایط مذکور و جزئیات آنها تفاوت‌هایی مانند بحث طلبکار در نمایندگان اصحاب دعوا و یا بررسی اسباب بطلان و سبب‌های مستقیم و غیرمستقیم و تلقی بطلان به عنوان موضوع دعوا در نظام حقوقی عربی مشهود است. مثلاً، اتحاد موضوع دو دعوا و پذیرش اتحاد مادی، همچنین وحدت سبب در هر دو نظام قضایی پذیرفته شده است. لکن، ارتباط اصل به منضمات و بررسی رابطه جزء و کل در اتحاد موضوع دعوای و ارتباط سبب با نهادهای مرتبط مطرح شده در نظام حقوقی کشورهای عربی، پاسخ برخی سؤالات در رویه قضایی را به صراحت روشن کرده، به نحوی که در شرایطی نمی‌توان از اعتبار موصوف استفاده برد و این وجه متمایز نظام مزبور می‌باشد که برخلاف سیستم



حقوقی ایران به کلی گویی نپرداخته است تا رویه قضایی را دچار چالش نماید.

در مقابل، سیستم حقوق نوشته در کشورهای عربی و ایران، نظام کامن لا از سادگی و عدم پیچیدگی در شرایط استنادی اعتبار امر مختوم قضایی برخوردار است و به جای صحبت از اتحاد سه رکن سبب، موضوع و طرفین دعوا، تنها بیان می کند که اگر در خصوص موضوع سابق بین همان طرفین یک تصمیم قضایی قطعی و نهایی مبتنی بر قانون دادگاه صالح صادر شده باشد، اعتبار مذکور به وجود آمده است و نیازی به بررسی تئوریک موضوع و همچنین، علت های حدوث آن وجود ندارد. اما به محض ایجاد این اعتبار، اثرات آن ممکن است یکی از استاپل های علت یا موضوع باشد که برخلاف سیستم حقوقی کشورهای عربی و ایران، این موارد از شمول شرایط استنادی خارج و به بحث آثار آن پیوسته است. وجه تمایز دو نظام باعث می شود تا اولاً، رسیدگی قضایی در نوبت دوم راجع به همان موضوع با چالش های کشورهای عربی و ایران از حیث بررسی شمول اعتبار امر مختوم قضایی روبرو نباشد و ثانیاً، در رسیدگی بعدی به استناد هر کدام از آثار اعتبار مذکور، طرف مدعی از طرح ادعا یا موضوع منع شود. این باعث می شود که از ورود تعداد کثیری از پرونده به دستگاه قضایی جلوگیری گردد و فردی که می توانسته موضوع دعوای خویش را مبتنی بر اسباب آن در همان مرحله اول دادرسی بیان کند و این کار را انجام ندهد، امیدی به اقامه مجدد دعوا نداشته باشد. همچنین، وقتی این اعتبار به وجود آمد و شرایط ساده آن تحقق یافت، قاضی تنها در مقام تشخیص نوع مانع است که بدون صرف زمانی زیاد و از بین بردن وقت قاضی و همچنین، تحمیل هزینه گزاف اقتصادی صورت می پذیرد.

بنابراین، نظام حقوقی عرفی از حیث شرایط آسان و قابل درک تحقق اعتبار امر مختوم قضایی برای همه افراد جامعه نسبت به سیستم حقوق نوشته از این مزیت برخوردار است که روند رسیدگی به دعوای دوم به سادگی سپری می شود و نیاز به بررسی تخصصی تمامی اسباب و زیرمجموعه های مرتبط به دعوای مطروحه نیست. وقتی اصحاب دعوا موضوعی را در سابق مطرح کردند که در خصوص آن یک حکم قضایی نهایی و قطعی صادر شده بود، امر مختوم قضایی به این اعتبار که دیگر دعوایی شنیده نمی شود، به وجود آمده است. به نظر می رسد بهره مندی سیستم حقوقی کشورهای عربی و ایران نیز از مزایای نظام عرفی و از طریق تعدیل مبانی فقهی در رابطه با اعتبار مذکور، و استفاده از تغییرات به روز رویه قضایی منطبق با تحولات جامعه، باعث می شود تا هم از فرهنگ طرح دعوای تکراری دور شده، و هم از خسارات دادرسی مجدد جلوگیری شود.

## تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

## منابع

- شمس، عبدالله (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، ج ۱، چ ۱۹، انتشارات دراک، تهران.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۷). آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، ج ۲، چ ۱۴، انتشارات دراک، تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۲). اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، چ ۹، نشر میزان، تهران.
- متین دفتری، احمد (۱۳۷۸). آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۱، چ ۱، انتشارات مجد، تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۲). دانشنامه حقوقی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چ ۲، ج ۵.
- غمامی، مجید؛ محسنی، حسن (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی فراملی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- محسنی، حسن (۱۳۹۱). مفهوم مرجع قضایی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چ ۱.

## منابع عربی:

- ابن فرحون، برهان الدین ابوالوفاء ابراهیم بن شمس الدین ابو عبدالله محمد (ت ۷۹۹هـ). «تبصره الحکام فی اصول الاقضية و مناهج الاحکام»، ط ۱، ۱۴۲۲هـ. ق، تحقیق جمال مرعشی، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ۲۰۰۱.
- ابوالوفاء، احمد (بی تا). «نظریة الاحکام فی قانون المرافعات»، منشأة المعارف بالاسکندریه، مصر.
- ادوار، عید (۲۰۰۱). «قواعد الاثبات فی القضايا المدنیة التجاریة»، بیروت، لبنان.
- بکوش، یحیی (۱۹۹۸). «ادلة الاثبات فی القانون المدنی الجزائری و الفقه الاسلامی»، دراسة نظریة و تطبیقیة مقارنہ، المؤسسة الوطنیة للكتاب، الجزائر.
- الحجار، حلمی محمد؛ الحجار، هانی حلمی (۲۰۰۱). «الوسیط فی اصول المحاکمات المدنیة»، منشورات الحلبي الحقوقیة، بیروت، لبنان.
- حسن فرج، توفیق (۲۰۰۳). «قواعد الاثبات فی المواد المدنیة و التجاریة»، منشورات الحلبي الحقوقیة، بیروت، لبنان.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸). «الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید»، ج ۲، منشورات الحلبي الحقوقیة، بیروت، لبنان.
- السيد الصاوی، احمد (۱۹۷۱). «الشروط الموضوعیة للدفع بحجته الشی المحکوم فیہ»، رسالة القاهرة، مصر.
- شعله، سعید احمد (۱۹۹۸). «قضاء النقض المدنی فی حجية الاحکام»، منشأة المعارف بالاسکندریه، مصر.
- السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان (ت ۹۱۱هـ). «الاشباه و النظائر فی قواعد و فروع فقه الشافعیة دار الکتب العلمیة»، ط ۱، ۱۴۰۳هـ. ق، بیروت، لبنان، ۱۹۸۳.
- الطباخ، شریف احمد (۱۹۹۸). «حجية الاحکام فی الدعاوی المدنیة و الجنائیة»، دار المصطفی للاصدارات القانونیة، القاهرة، مصر.
- الطرابلسی الحنفی، علاء الدین ابوالحسن بن علی بن خلیل (۱۹۷۳). «معین الاحکام فیما یتردد بین

- الخصمين من الاحكام»، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، القاهرة، مصر.
- عبداللطيف، محمد (١٩٧٢). «قانون الاثبات في المواد المدنية و التجارية»، الطبعة الاولى، بيروت، لبنان.
- العبودي، عباس (٢٠٠٧). «شرح احكام قانون البيّنات دراسة مقارنة»، دارالثقافة للنشر و التوزيع، عمان.
- العدوي، جلال علي (١٩٩٦). «اصول احكام الالتزام و الاثبات»، منشأة المعارف، الاسكندرية، مصر.
- عوض حسن، علي (١٩٩٦). «الدفء بعدم جواز نظر الدعوى لسبق الفصل فيها»، دار المطبوعات الجامعة، الاسكندرية، مصر.
- فتحي زغلول، احمد (١٩١٣). «شرح قانون المدني»، قاهره. مصر.
- مليجي، احمد (بي تا). «تحديد نطاق الولاية القضايه و الاختصاص القضايي»، دار النهضة العربيه، القاهرة، مصر.
- فوده، عبدالحكم (٢٠٠٧). «قانون المرافعات (المدنية التجارية)»، الجزء الثاني، المكتب الدولي للاصدارات القانونية، الاسكندرية، مصر.
- القرافي (الفروق) (٢٠٠١). «بحاشية ادرار الشروق على انوار الفروق لابن الشاط» (ت ٥٧٢٣)، ١٤٢٤ هـ.ق، تحقيق عمر حسن القيام، مؤسسة الرسالة، بيروت، لبنان.
- القضاة، مفلح عواد (٢٠٠٧). «البيّنات في المواد المدنية و التجارية دراسة مقارنة»، دارالثقافة للنشر و التوزيع، عمان.
- النداوي، آدم و هيب (١٩٩٨). «شرح قانون البيّنات و الاجراء»، مكتبة دار الثقافة للنشر و التوزيع، عمان، الاردن.
- عاملي، شيخ حر (١٤١٤). «وسايل الشيعة»، ج ٢، ج ٢٧، مؤسسة آل بيت، قم.
- فتحي، والي (بي تا). «مبادئ قانون القضاء المدني»، دار النهضة العربيه، القاهرة، مصر، ط ٢.
- نجفي، محمدحسن (١٤٠٤). «جواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام»، ج ٤، دار احياء التراث العربي، بيروت، لبنان.

### منابع لاتين:

- Barnett, Peter .Robert., (2001). **Res Judicata, Estoppel and Foreign Judgments**, Oxford: Oxford University Press.London.
- Bower, George Spencer & Turner, Alice K. (1969). **The Doctrine of Res Judicata**, London: Buitenvorths, 2d edn.
- Cheng, B., (1987). **General Principles of Law as Applied by International Courts and tribunals**, Cambridge: Grotius Publications Limited.
- Curzon, L.B., (2002). **Dictionary of Law**, Edinburgh: Pearson Education Limited, 6th edn.
- dalla Massara, Tommaso, (2015-2016). **Definition of the res iudicata effects of foreign arbitral awards in a perspective of european private law**, università degli studi di verona,Laureando: Jakob Tasser VR352358.



- Dra. Dra. h.c. Silvia Barona Vilar; Carlos Esplugues Mota, (2014). "**ADR mechanisms and their incorporation into global justice in the twenty first century: some concepts and trends**", University of Valencia (Spain).
- Draft version. Article to be published in: Carlos Esplugues and Silvia Barona (eds.) **Global Perspectives on ADR**, Cambridge, intersentia, 2014.
- Handley, K.R. (2009). **res judicata**, 4 th ed., lexis Nexis. london.
- Martine-Fraga Pedro J.& Samra, Harout Jack, (2012). "**The Role of Precedent Defining Res judicata in Investor- State Arbitration**", 32 Northwestern Journal of International Law & Business, U.S.A.
- Maynard E. prising, (1944). "**Merger by Judgment**", University of Minnesota Law School, Minnesota Law Review. 1934.
- Silja, Schaffstein. (2012). **The doctrine of res judicata before international arbitral tribunals**, PHD THESIS, University of London.
- Westerlind, James M. (2010). "**The Preclusive Effect of Arbitration Awards**", Mealey's Litigation Report, Vol. 21.
- Wong, Jarrod (2005). "**Court or Arbitrator – Who Decides Whether Res Judicata Bars Subsequent Arbitration under the Federal Arbitration Act**", Vol: 46,Santa Clara L. Rev. 49.
- Andrews, Neil. (1994). **Principles of civil procedure**, England.Halsbury s Laws of England,(2003). 4th edn.(Reissue), London.Holdworth, w. (1944). History of English Law (3d).London. VestAL, (1954). Res judicata/preclusion by judgment:The Law Applied in Federal courts, 66 MICH. L.Rev.
- Heinsz, Timoyhy J,. (1994). **Grieve it Againt of Stare Decisis, Res Judicata and collateral**, Estoppel in Arbitration.